

آزادی اندیشه و بیان انگلیسی

اروپائیان مانند همه انسانها صفات خوب و زشتی دارند. از جمله بعضی قوانین و ماهدات را به منافع خویش بگونه استعمال مینمایند که اگر خود هر چه کردند مجاز است و اگر کسی دیگری همان گونه نمود خلاف رفتاری است زود انگشت انتقاد بسویش دراز مینمایند. بیاد دارم وقتی در جریان تجاوز آمریکا بر عراق (چون عراق بمب های امحای دسته جمعی داشت، و آنوقت ایلات متحده اسناد کافی از آن در اختیار داشت و اینکه تا اکنون آنرا پیدا نتوانسته مطلب دیگر است) یکی دوسرباز یا افسر کشته شده امریکائی در تلویزیون «الجزیره» نشان داده شد، مطبوعات غرب بنام حقوق بشر و ماهدات کنوانسیون ژنو درباره اسرای جنگی، چه های و هوی براه انداختند که باجسادمردگان بی احترامی شده و چون و چنین شده الجزیره باید به محکم بین المللی کشانده شود، چند روز بعد خود شان اجساد کشته شده پسران صدام را در معرض نمایش فلم و تلویزیونها خودمانندند مگر از ایشان به همه ماهدات برابر بود.

بر اصل قوانین اروپا هر نوع تعرض، توهین، تحقیر و... به اشخاص و افراد مطلقاً ممنوع است. ولی وقتی خودشان به یک ملت، بیک قوم و حتی به ملتها و یا دینی با یک میلیارد پیرو تعرض، توهین و تحقیر نمودند، نامش آزادی مطبوعات است. نمونه آن بیانات برسولنی صدراعظم ایتالیا، فلم سازی وکیل دست راستی پارلمان هالند در باره اسلام، کاریکاتور پیغمبر اسلام (ص) در دنمارک میباشد.

با باز شدن پای استعمار غربی در شرق و غرب بهر جا که رسیدن کتابی و مقاله نوشتند البته این کتب و نشرات به منافع استعماری خودشان برابر بوده با حقایق کمتر رابطه داشت. غبار درین رابطه میافزاید که: «این آثار انگلیسی در مورد افغانستان بیشتر گرد این محور میچرخد: (چون کشوری بنام افغانستان در گذشته وجود خارجی نداشت، طبعاً ملتی هم موجود نبود. پس این مملکت حصه از هندوستان و حصه از ایران است... پشتونها را همسایه گان شان همیشه بحیث مردم وحشی نگریسته اند... تاجیکها مردم محیل و حریص بوده، در شرافت و درستکاری شان نقصان موجود است... از یکها فاقد صفات لیدر شپی و فاقد اراده و تصمیم میباشد... ممالک متمدن (انگلیسها) باید ممالک غیر متمدن سرحدات خود را (افغانها) اشغال و تحت سیطره خویش قرار دهند ورنه خود مضمحل خواهند گشت... لارد لیتن و ایسرای هند (بقول نتلر) چنین قضاوت نمود. امیر شیرعلی یک" وحشی نیمه دیوانه" است. سپهسالار غلام حیدرخان چرخ که در دفاع از وطن بروی انگلیس شمشیر زده و در برابر تحمیلات انگلیس و "خط سرحدی دیورند" مقاومت مینمود از طرف مورخ و سیاست مدار انگلیس (نتلر) عنوان "فامیلی شیریر چرخ" گرفت...

هنگامیکه امیر دوست محمدخان در صدد استرداد پشاور برآمد و هم با دولت روس تماس سیاسی گرفت... یک سپاهی هرزه و بی تعلیم و بیسواد و دایم الخمر بود" اما بعد از آنکه... سر نوشت استقلال ملی و سلطنت خود را با پشاور بترحم دشمن سپرد،... مرد زحمتکش، خوش خلق، محبوب مردم و پاینده به عهد بود او از شراب دست کشیده و قرآن مطالعه میکرد « ۱ عجیب اینجاست که به سیاست مداران و نویسندگان بریتانیه مطالعه قرآن امیر چه ربطی دارد. بیاد دارم که بعد از ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ بریتانیویان در مورد سر نوشت اسلام در افغانستان تشویش داشتند که در اولین مصاحبه مطبوعاتی مرحوم داودخان جوابی لازم برای خیر نگاران آنجا داد، بار دوم بعد از ثور ۱۳۵۷ نگرانی بیشتر شد و از نور محمد تره کی راجع به سر نوشت اسلام باز هم خبرنگاران بار بار پرسید، در اولین مصاحبه مطبوعاتی ببرک کارمل در کاخ چهلستون بعد از ۶ جدی ۵۸ باز هم بریتانیویان از عین موضوع تشویش زیادتیر داشتند و چندین بار سوالها نمودند که جواب شدیدالحن " پدران و اجداد ما در سه جنگ اول و دو وسوم افغان و انگلیس جواب شما را داده اند " را شنیدند.

امیر عبدالرحمن خان تمام رهبران مبارز ملی را که بر علیه انگلیسها جنگیده بودند بهانه و انواع مختلف اعدام، ترور، زندانی و تبعید نمود ولی در عوض «به سردارانیکه در صف دشمن استاده و بروی مردم افغانستان شمشیر رانده بودند و اینک زیر بیرق انگلیس در هندوستان میزیستند، عطف توجه کرد. از آنجمله بود سردار نورعلی خان پسر سردار شیرعلیخان (قندهار را برانگیسها تسلیم کرده بود)... در کراچی قرضدار بودو نمیتوانست سفر کند. لهذا امیر عبدالرحمن خان بمامورین خود امر کرد که از پول دولت قرض او در کراچی پرداخته شود... امیر ۱۲۰۰۰ روپیه دیگر هم برایش بداد و...» ۲ این سردار شیرعلی، فرزند مهر دلخان مشرقی پسر کاکا و ضمناً خسربره غلام محمدخان طرزی (برادر خانم دوم) وی هم میشد

در راپوری از جانب سکرتر خارجه حکومت بمبی مورخ ۱۳ دسمبر ۱۸۸۳ چنین آمده است: " سردار غلام محمد قندهاری: این سردار پسر بزرگ رحمدل خان است که درباره او معلومات کمی داریم، ولی زمانی از روسای با اهمیت قندهار بود. مدرکی در دست نداریم که نشان دهد وی صاحب موقعیت مهمی در افغانستان بوده باشد. پسر عمش والی (سردار شیرعلی ذکر شده) درباره وی نظریه نیکی ندارد. تاجانیکه بما معلوم است و بهیچگاه خدمتی برای حکومت بریتانیه ایفاء نکرده است، لهذا بر ما کدام ادعای حقی داشته نمیتواند... " ۳

امروز بعد از صد سال هم از نام مشروطه خواهان اول و دوم محمود طرزی و امان الله خان نفرت و ترس دارند زیرا پروژه بریتانیه بعد از ایجاد و ظهور رژیم حبیب الله خان کلکانی با رضایت چنین بود که: چگونه جنبشهای جوان کشور منهدم شده و جامعه افغانی بحالت قرون وسطی باقی بماند، و چگونه یک دولت رهبری شده ستمگار و مرتجع توده های مردم را بوسیله آتش و خون در زیر یک رژیم زندان و زنجیر ترور و وحشت، مظلوم فقیر و دل شکسته بسازد، تا بکلی احساس آزادی و سرفرازی و ترقی خواهی در نفوس ملت افغانستان بمیرد و به اصطلاح انگلیسی " مردم به ذلت و پستی و اسارت عادی گردند" تا « اشغال نظامی افغانستان " ابدی و جاودانی " باشد. ۴

۸۷ سال قبل (۱۵ مارچ ۱۹۲۲) جریدهء وابسته به حکومت هند بریتانوی « بلوچستان گزت» مقاله توهین آمیزی بر علیه افغانها نوشت بابا عبدالعزیز مدیر جریده (طلوع افغان) جوابی شدید به آنها نوشت بعداً حبیب الله طرزی به بابا مکتوب فرستاد که مقالات شدید الحن جنجال آور میباشند مگر بابا عبدالعزیز جوابیه شدیدتر عنوان وزارت خارجه نوشت، و حبیب الله طرزی مکتوبی را مسوده نموده نزد محمود طرزی برد تا امضا نماید وقتاً طرزی وزیر خارجه آنرا ملاحظه نمود گفت: " میخوای این مکتوب را من امضا کنم؟ بجواب گفتند که چون به وزارت خارجه تعرض کرده شما باید امضا نمائید محمود طرزی بجواب گفت:

" نزد من این چوکی و این مقام ارزشی ندارد و در مقابل مسلک من که ژورنالیزم است به توتی نمی آرزد. من هم مثل او جریده نگارم و هرگز بخود اجازه نمیدهم که در مقابل کولیگ خودم (یعنی همکارم) چنین یک چیز را بنویسم و بعداً محمود طرزی بقلم خودش به بابا عبدالعزیز نوشت: "

" عزیز جان عزیزم! جواب خوب ندان شکن به یاهه سرانی آن جریده انگلیس داده ای بارک الله. " ۵

حدود پنجاه و سه سال قبل از امروز که دولتی و فرزانگانی واقعاً وطنپرستی هم در دولت داشتیم سفیر کبیر امریکا (Angus Ward) با شادروان جنرال عبدالملک عبدالرحیمزی وزیر مالیه کابینه داودخان بساعت یازده قبل از ظهر وعده ملاقات داشت. " سفیر امریکا نتوانست یا که نخواست بساعت معینه بملاقات بیاید و مدت ۴۵ دقیقه نا و قتر آمد. وزیر چون فکر میکرد که خلاف پروتوکول عمل شده و باالبروی افغانستان بازی شده سفیر را مدت ۴۵ دقیقه در اطاق انتظار منتظر میگذارد. موضوع مذاکره تقاضای کمک اقتصادی برای افغانستان بود سفیر امریکا در جواب گفت: امریکا به ریل نشینان پاکستان کمک میکند نه به خر سواران افغانستان، جنرال عصبانی شده چنین گفت: خبرداری که چوئن لای، صدراعظم چین، سفیر امریکا را در طول هزار میل بالای خر سوار کرده از کشور خارج کرد. آرزو داری که ترا بالای خر سوار کرده از افغانستان خارج کنم؟ هفته بعد سفیر امریکا به همین دلیل از کارش بر کنار گردید. " ۶

در عین زمان (ریچارد نکسون) معاون رئیس جمهور ایزنهاور سفری به کشور ما داشت و بملت و رهبران آنوقت توهینی نموده بود، در حالیکه خودش از پست ریاست جمهوری به دزدی مشهور (و اترگیت) دستزد که با بد نامی و نفرت مردم از وی مستعفی گردید.

جورج بوش یکی از بدنام ترین و منفورترین فرد در روی زمین رئیس جمهور سابق امریکا در جریان معرفی شخصی منفور تر از خود و عضو حلقهء مافیائی شان، آقای حامد کرزی در برابر پارلمان و هم خبرنگاران در قصر سفید وی را یک جنتمین بزرگ معرفی نمود، حال که بر سر تقسیم با هم جور نیامدند جریده گاردین با در نظر داشت مواد قانون و حقوق بشر و کانونسیون ژنو و غیره و غیره دولتمردان ما را به خزان تشبه نموده است. دیروز به صفت «مردم وحشی، محیل و حریص» شناخته « در شرافت و درستکاری » مان نقصان دیده، « فاقد صفات لیدر شپی و فاقد اراده و تصمیم » میدانستید حال اداره گران مارا که خود آورده و انتصاب کرده اند «خران» میگویند. ما از ممالک « متمدن» مثل بریتانیه کبیر میخواستیم دموکراسی، حقوق بشر و غیره را بیاموزیم. آیا استعمال کلمهء خزان هم جز تمدن یا cavillation اروپا است؟ آقای برسولونی همین است آنچه شما به آن مینازید؟ آیا وقتیکه رئیس جمهور وقت امریکا معمر القذافی را با کلمه سگ دیوانه خطاب کرده بود جز اخلاق کشورهای متمدن است؟ پس شرافتمندانه بگوئید آیا مارگریت تاچر، تونی بلر و جورج دبلیو بوش و خونخواری چون پینوچه از (چلی) که تحت حمایه شما جنایت کرد به کدام حیوان تشبه کردند بهتر است؟ گر چند خر بیچاره از نام جورج بوش برایش ننگ خواهد کرد و خجالت خواهد کشید. .

ابلهی صد عتابی و دبیا
گر بپوشد خریست عتابی

سعدی

مآخذ

۱ - غلام محمد غبار - افغانستان در مسیر تاریخ - جلد اول میزان ۱۳۴۶ کابل ص ۴۷۱.

۲ - شادروان غبار ص ۶۶۰ بنقل از فیض محمد کاتب - سراج التواریخ - جلد سوم ص ۹۹۶ .

- ۳ - عبدالوهاب طرزی - شرح زندگی محمود طرزی - انتشارات انجمن فرهنگی افغانستان
مارچ ۲۰۰۰ ص ۷
- ۴ - غلام محمد غبار ، صفحات ۴۴۷ و ۴۴۸ .
- ۵ - جنبش مشروطیت در افغانستان - پوهاند عبدالحی حبیبی ص ۱۵۸
- ۶ - یما ناصر یکمیش - خرنامه - چاپ اول ۱۳۷۷ ص ۷۴ .

پایان

تعداد صفحات: ۳ از ۳

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید maqalat@afghan-german.de
نوت: مسئولیت املائی و انشائی نوشته ها به دوش خود نویسنده میباشد، خواهشمندیم مطلب خود را بعد از غور کامل بما ارسال بدارید.